



نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی

سال دوم / شماره پنجم / پاییز ۱۳۹۹

الگوی مدیریت بحران حضرت موسی علیه السلام در آیات قرآن کریم

علی نجات بخش اصفهانی^۱

(۳۴-۵۵)

چکیده

لزوم هدایت و رهبری جامعه انسانی در شرایط بحرانی، ضرورت استفاده از یک تفکر اصیل ریشه دار در حاکمیت الهی را اجتناب ناپذیر کرده است. از آنجا که فلسفه نزول آیات وحی برای جامعه‌ای خاص و در زمانی معین نمی‌باشد، می‌توان سالم‌ترین راه هدایت جامعه را از آموزه‌های قرآنی استخراج و از آن در راستای عملیاتی‌سازی در عصر کنونی زمینه‌سازی کرد. این پژوهش بحران گوساله پرستی قوم حضرت موسی (ع) را با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم به شیوه تحلیل محتوا، مورد مطالعه قرار داده است، نتیجه این که: مدیریت بحران در سیره حضرت موسی (ع) از دیدگاه قرآن از ویژگی‌های خاص برخوردار بوده که به آن، جامعیتی معنادار بخشیده است، در واقع، حضرت موسی (ع) توانست با تکیه و توکل بر ذات اقدس الهی و توانمندی مدیریتی خویش با بهره‌گیری از شانزده اقدام چون هدایت و تربیت، موعظه حسنه، بیدار کردن وجدان، ارائه برهان منطقی، یادآوری الطاف الهی و ... در سه قالب قبل، حین و بعد از بحران، بر بحران به وجود آمده فائق آید و ماموریت الهی خویش را به صورت کامل انجام دهد.

واژگان کلیدی: قرآن، رهبری و مدیریت حضرت موسی (ع) و بحران.

۱. دانشیار گروه تمدن و مدیریت در اسلام مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دین پژوهی پیامبر اعظم (ص)-

hany.orveh@gmail.com

مقدمه

پیشرفت‌های تکنولوژی، جهانی شدن، تغییرات چشمگیر در ویژگی‌های جمعیت شناختی، تغییر رویکرد سازمان از شکل بورکراتیک به سمت پویایی بیشتر و نفوذهای فرهنگی، باعث تغییرات وسیع در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... جوامع شده است بر همین اساس، جوامع با بحران‌های متعددی رو به برو هستند، به همین دلیل، امروزه مدیریت اثربخش بحران به عامل قابل توجه و مهمی برای سازمان‌ها و دولت (کینگ، ۱۳۹۵: ۲۰۰) مبدل گشته است، به طوری که صاحب‌نظران مختلف، الگوهای مختلفی را در زمینه مدیریت بحران، طرح و بسط داده اند. (ریبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۷) اما این الگوها را نمی‌توان به دلیل آمیخته بودن به گرایش‌های جوامع سرمایه داری و فقدان پشتوانه قوی، در کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار داد. در واقع، امروزه فقدان یک تفکر ناب و متناسب با فرهنگ و پیش ممالک اسلامی که بتواند در صحنه عمل در بحران‌های به وجود آمده به صورت صحیح، جامعه انسانی را هدایت و رهبری نماید و راه نجاتی را برای انسان‌ها پیش‌بینی کند، بیش از پیش احساس می‌گردد. قرآن بزرگترین هدیه الهی است. (ناظم‌بکائی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۱) که برای جامعه‌ای خاص و در زمانی معین نمی‌باشد و برای حل بحران‌های سیاسی اجتماعی همانند تمام نیازها و پرسش‌های بشر راهکارها و نظام مدیریتی ویژه‌ای را ارائه می‌دهد. (خطیبی‌کوشک، ۱۳۸۴: ۵۸) در حقیقت، طبق فلسفه قرآن، فعالیت‌های انسانی باید کلاً به سمت دستیابی به رستگاری جامع مبنی بر رفاه همه جانبه در زندگی این دنیا و همچنین رفاه آخرت هدایت شوند. (خیرالهی و ندی، ۱۳۹۴: ۷۹) از این رو، می‌توان سالم‌ترین راه هدایت جامعه را از آموزه‌های قرآنی استخراج و در راستای عملیاتی سازی آن در عصر کنونی، زمینه سازی کرد. به عبارت دیگر، نگاه اجمالی به قرآن مبین آن است که سراسر آیه‌های قرآنی سرشار از سرگذشت‌ها و طرح موضوعاتی است (ناظم‌بکائی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۰) که با بررسی و کاوش و عملیاتی سازی آن‌ها (در عصر حاضر) می‌توان جامعه انسانی را به بهترین نحو به سوی کمال حقیقی‌اش هدایت نمود. یکی از بارزترین سرگذشت‌ها در قرآن، سرگذشت قوم حضرت موسی (ع) می‌باشد.

نام آن جناب از هر پیغمبری دیگر در قرآن کریم بیشتر آمده، و- به طوری که شمرده‌اند- نامش در صد و شصت و شش جای قرآن کریم ذکر شده، و در سی و شش سوره از سوره‌های قرآن به گوشه‌هایی از

داستان‌هایش، یا به طور اجمال و یا به تفصیل اشاره شده و در بین انبیاء(ع) به کثرت معجزه شهرت یافته، که قرآن کریم بسیاری از معجزات باهره وی را ذکر کرده، مانند اژدها شدن عصای او، نور دادن دستش، ایجاد طوفان، مسلط کردن ملخ، شپش و قورباغه بر مردم، شکافتن دریا، جوشاندن دوازده چشمه از يك سنگ با زدن عصا، زنده کردن مردگان، و بلند کردن کوه طور بالای سر مردم، و غیر اینها. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۵۸) در کلام خدای تعالی گوشه‌هایی از داستان‌های آن جناب آمده، و لیکن، تمامی جزئیات و دقائق آنها را ذکر نرموده، بلکه به چند فصل از آن‌ها که ذکرش در هدایت، و ارشاد خلق اهمیت داشته، اکتفاء کرده، و این روش قرآن کریم در اشاره به داستان‌های همه انبیاء و امت‌ها است که از هر داستان، آنچه که ذکرش مایه عبرت و هدایت خلق است، ذکر می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۵۹) از این رو، می‌توان گفت: با اندک تأملی در آیات این سوره‌ها در می‌یابیم که این تکرار(تنها) جنبه لغوی نداشته، بلکه در هر سوره‌ای به تناسب پیام آن به داستان حضرت موسی(ع) به عنوان شاهد و نمونه اشاره می‌شود. (چابکی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۱-۱۶۰) در واقع در هر یک از این سوره‌ها یک یا چند بعد از ابعاد مدیریتی آن حضرت و عملکرد این رجل الهی بیان شده است. بررسی و کاوش این مفاهیم تبیین‌کننده نکات ارزشمند در ارتباط با مدیریت و رهبری به طور عام و مدیریت بحران به طور خاص می‌باشد. در حقیقت با محور قرار دادن آموزه‌های قرآن و استفاده سنت و سیره انبیاء(ع) به عنوان منابع الهام بخش می‌توان دریافت که در زمان بحران‌های مبتلا به جامعه روی چه نکاتی باید تاکید نمود، و چه اقداماتی را می‌بایست برای خاموش سازی بحران انجام داد. همانطور که در داستان حضرت موسی(ع) مشهود است ایشان با کمک خداوند توانستند(با اقداماتی چون پرسش و پاسخ، ارائه برهان، موعظه حسنه و...) هم گمراهان(گوساله پرستان) را از خواب غفلت بیدار نمایند و هم برای جلوگیری از بحران‌های آتی، اقدام به مجازات گمراهان و اخراج سامری کردند، بر همین اساس، از اساسی‌ترین اهداف این پژوهش تجزیه و تحلیل و بررسی مدیریت بحران در سیره حضرت موسی(ع) از منظر قرآن کریم است که در این راستا از الگوی سه مرحله‌ای مدیریت بحران (قبل، حین و بعد از بحران) استفاده شده است.

مفهوم شناسی

۱. بدون تردید در جهان امروز هیچ عاملی به اندازه مدیریت در توسعه و رفاه ملل و سازمان‌ها، نقش تعیین کننده ندارد. از زمانی که انسان‌ها پی بردند که جهت فائق شدن بر موانع و مشکلات و برطرف کردن نیازها و احتیاجاتشان، نیازمند همکاری و مساعدت با یکدیگر هستند و گروه‌ها و سازمان‌ها را تشکیل دادند، نقش و اهمیت مدیریت روز به روز افزون‌تر و برجسته‌تر شد. (شعبانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳) آنچه بین تمامی نویسندگان، مشترک است آن است که مدیریت، یک فرایند نظام یافته‌ای است که سازمان به طور خاص و جوامع را به طور عام و گسترده به اهداف خود از طریق برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل می‌رساند و باعث رشد و توسعه کشورها در تمامی ابعاد (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ...) می‌گردد.

۲. یکی دیگر از عوامل مهم در سازمان‌ها رهبری می‌باشد. رهبری از دیرزمان مورد توجه اندیشمندان و محققان مدیریت بوده و آنان همواره درباره رهبری و زوایای گوناگون آن، از جمله عواملی که سازنده یک رهبر اثربخش و موفق است، تحقیق کرده‌اند. علت اصلی توجه محققان به مسئله رهبری آن است که رهبری نقشی حیاتی در پویایی و بالندگی سازمان ایفا می‌کند و موفقیت بسیاری از سازمان‌ها به سبب وجود رهبران قوی و اثربخش بوده است. از سوی دیگر، شاید بتوان ادعا کرد که جوهره مدیریت رهبری است و «به کارگیری منابع انسانی» که در تعریف مدیریت لحاظ شده، در واقع از طریق نوع تعامل میان رهبر و پیرو، و رئیس و کارمند محقق می‌شود. برای اهمیت رهبری از شیوه دیگری نیز می‌توان استفاده کرد: مدیران باید دارای مهارت‌های تحلیلی، طراحی، فنی و انسانی باشند. مهم‌ترین این مهارت‌ها، مهارت انسانی است. مهارت انسانی تعیین کننده نوع تعامل با کارکنان به منظور نیل به اهداف است. در حقیقت، وظیفه رهبری در مدیریت، تجلّی مهارت انسانی مدیران است. این موضوع، اهمیت رهبری را دو چندان می‌گرداند. (پیروز، ۱۳۹۰: ۹۶) پس به طور کلی می‌توان گفت که رهبری از مفاهیم بنیادین اداره جامعه و با تحول اجتماعی، ملازم است؛ زیرا بنیان نظم و اداره هر جامعه و سازمان بر آن نهاده شده است و بدون رهبری و مدیریت، پیشبرد اهداف اجتماعی و رسیدن به مطلوب‌های آن ممکن نخواهد بود. بی تردید نیاز به رهبری، واقعیتی عینی و خارجی است که حتی تعالی انسان‌ها هم در گرو آن است. (باقری و کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۵۹ و ۱۶۱-۱۶۰) مروری به

نوشته‌های دیگر نویسندگان روشن می‌کند که بسیاری از نویسندگان مدیریت توافق دارند که رهبری عبارت است از: فرآیند نفوذ در فعالیت‌های فرد یا گروه به منظور کوشش برای رسیدن به هدفی در موقعیتی مشخص. از این تعریف رهبری به این نتیجه می‌رسیم که فرآیند رهبری تابعی از این متغیرهاست: رهبر، پیرو، موقعیت. (موسی‌خانی و محمدنیا، ۱۳۸۵: ۱۶۴)

۳. «بحران» که معادل لاتین آن، واژه «krisis» و معادل انگلیسی آن، واژه «crisis» می‌باشد. (پوررستمی، ۱۳۹۲: ۵۹) بیش از پنج قرن پیش (مرکز آموزش و پژوهش‌های توسعه و آینده نگری، ۱۳۹۵: ۷) وارد حوزه تصمیم‌گیری شد. (بخشانی‌مقدم، ۱۳۹۰: ۶۷) بحران به صورت آشفته‌گی و تغییر حالت^۱ (عمید، ۱۳۸۹: ۲۱۲) و به عبارتی دیگر، امری که باعث به هم خوردن تعادل می‌شود و موقعیتی غیر عادی و حساس ایجاد می‌کند. (انوری، ۱۳۹۰: ۸۳۱) بر این اساس، می‌توان گفت: بحران، اشاره به بالاترین مرحله یک جریان ناگوار است (صدرافشاری و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۹۶) که در اثر رخدادها و عملکردهای طبیعی و انسانی و به طور ناگهانی به وجود می‌آید، (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۶) آنها، منافع راهبردی را مورد تهدید قرار می‌دهند، در اولویت‌ها و فوریت‌های تصمیم‌گیری واقع می‌شوند ارتباطی متقابل با ناامنی‌ها و آسیب‌پذیری‌ها برقرار می‌سازند، مرز بین واقعیت و غیر واقعیت را کدر می‌کنند و اذهان و افکار عمومی را به تشویش می‌اندازند، (روشندل‌اربطانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴) اما با این حال و با عنایت به بحث و بررسی بحران از سوی طیف گوناگونی از اندیشمندان (اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ...) (افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۳-۳۴) تاکنون گفتمان و ادبیات واحدی پیرامون آن شکل نگرفته است. (محمدی‌سیرت، ۱۳۹۱: ۲۷) دلیل این امر نیز، به دامنه گسترده و همچنین سطوح مختلف بحران بر می‌گردد (روشندل‌اربطانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴) در واقع، مفهوم بحران، یک اشتراک لفظی است و بر حسب اینکه در چه رشته و موضوعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، معنی و ویژگی متفاوتی می‌یابد و چون گرایش‌ها و بینش‌های افراد بر درک و برداشت از آن، تاثیر بسزایی دارد، لذا نمی‌توان یک تعریف جامع و مورد قبول همگان ارائه داد. (خان‌محمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۴) به طور مثال هرمان^۱ بحران را حادثه‌ای می‌داند که موجب سردرگمی و حیرت افراد می‌شود، قدرت واکنش منطقی و مؤثر را از آنان سلب می‌کند و تحقق اهداف‌شان را به خطر می‌اندازد، (روشندل-

^۱. Herman.

اربطانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴) در حالی که پرو^۱ میان حادثه و بحران تفاوت قائل می‌شود، حادثه را اختلال در جزء یا واحدی از یک نظام بزرگ می‌داند که کارکرد کل نظام را تهدید نمی‌کند اما بحران را اختلالی عمده می‌شمرد که کل نظام را از کار باز می‌دارد و آن را با اشکالات عمده مواجه می‌سازد و حیاتش را به مخاطره می‌اندازد، (روشندل‌اربطانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴) ولی آنچه فصل مشترک تمامی نویسندگان می‌باشد، آن است که بحران، چیزی جز تجلی برخورد تمام عواملی که یک مرتبه از حالت نظم به حالت بی‌نظمی درآمده است، نیست، (حبیب‌زاده‌ملکی و جوادیان، ۱۳۸۹: ۱۰۵) به زبان دیگر، یک بحران وضعیتی در سطح جامعه که بر اساس نظم و قانون اداره می‌شود را ایجاد می‌کند که باعث از هم پاشیدگی، تغییر ناگهانی و هرج و مرج، ایجاد فتنه، جنگ، تفرقه و ... می‌شود و با ایجاد ناآرامی و گرفتاری‌های روحی و روانی مناسبات اجتماعی (اتحاد و انسجام) مردم را از ابعاد اجتماعی، سیاسی، امنیتی و ... درهم می‌شکند، خواه این وضعیت در بخشی از جامعه یا کل جامعه باشد.

مدیریت بحران و فرایند آن

ادبیات مدیریت بحران سرشار از تئوری‌ها، مدل‌ها، فرضیه‌ها، مکانیزم‌ها و روش‌هایی است که به مدیران بحران می‌آموزد؛ چگونه با بحران مقابله کنند، (قلی‌پور، ۱۳۸۳: ۴۵) به دیگر بیان، مدیریت بحران را می‌توان راهنمایی، هماهنگی و کاربرد تمامی منابع سازمان‌ها و ارگان‌ها در جهت کاهش خسارات مالی و جانی ناشی از حوادث طبیعی و غیر طبیعی تعریف نمود، (ستایش‌برحق و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۷) در واقع، مدیریت بحران به عنوان فرایندی نظام یافته (رهبرهای بیگلو و همکاران، ۱۳۹۱: ۸) در برگیرنده برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل دارایی‌ها و فعالیت‌های قبل، حین و بعد از مواجهه با رویدادهای غیرمترقبه (عموزاده و مرادی، ۱۳۹۵: ۸۲) و اتخاذ تصمیمات مؤثر بر اساس اطلاعات صحیح (یزدان‌پناه، ۱۳۸۱: ۵۱) در جهت به حداقل رساندن آثار تخریبی آن است. (دارابی، ۱۳۹۰: ۱۳) بر این اساس، می‌توان گفت که مدیریت بحران تلاش دارد که اولاً از وقوع حوادث پیشگیری کند، ثانیاً در صورت وقوع به مقابله با آن برود و ثالثاً پس از فروکش بحران برای بازسازی آن تلاش کند. (تقوایی و علی‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۶) لذا می‌توان مدل سه مرحله‌ای بحران را به عنوان یک مدل جامع معرفی کرد. این مدل از سه مرحله، قبل از بحران، حین بحران و بعد از بحران تشکیل شده

1. Perrow.

است. مرحله قبل از بحران شامل تمامی اقداماتی است که برای جلوگیری از بحران به کار می‌رود، مرحله حین بحران مربوط به گام‌هایی برای پاسخ و مقابله با بحران و مرحله پس از بحران شامل اطمینان از رفع بحران و امنیت سازمان و یادگیری از رویداد به منظور جلوگیری از رخداد مجدد آن، کاربرد دارد. (ودادی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۹)

در راستای الگوبرداری از سیره مدیریتی حضرت موسی (ع) تحقیقاتی انجام شده است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف- افتخاری و برزگرلداری (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان تهدید نرم و گونه‌شناسی تهدید در گفتمان قرآن کریم (مطالعه موردی داستان حضرت موسی و فرعون) به گونه‌شناسی و ماهیت‌شناسی تهدید علیه حضرت موسی در نظام فرعونی پرداخته است و از بررسی آیات و میزان فراوانی آنها و استنباط بسته‌های معنایی نشان می‌دهد، ماهیت تهدیدی که از ناحیه نظام فرعونی علیه حضرت اعمال می‌شد، اغلب نرم و دارای گونه‌های متنوع‌تر و از تقدم و فراوانی بسیار بالاتری نسبت به تهدید سخت برخوردار بود. پژوهش حاضر تلاش کرده تا مسائل و موضوعات مربوط به حضرت موسی را از منظر تهدیدات و گونه‌شناسی بررسی کند و از این جهت، کار با ارزشی است لکن مسائل و شرایط زمان حضرت موسی که اغلب با ابزار سخت و خصوصا استفاده از سحر و جادو و نماد گوساله بوده است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

ب- ماه‌بانویی و نقی‌پورفر (۱۳۹۳) به مطالعه شایستگی‌های مدیریتی در قرآن با الگوگیری از سیره حضرت موسی (ع) پرداخته و در تحلیل داده‌ها، هشت شایستگی مدیریتی شامل: مهارت ارتباطی، قدرت تصمیم‌گیری، هوش معنوی، مدیریت استعداد، قدرت تنبیه، قدرت رهبری، مدیریت بحران و ویژگی‌های شخصیتی به دست آورده است. آثار این استاد پژوهشگر در کشور از معروفیت خاصی برخوردار است لکن همان گونه که در متن مقاله، ملاحظه می‌شود منابع استفاده شده آن اغلب از مدیریت رایج و خارجی است و صبغه قرآنی ندارد لذا، این تحقیق، نارسایی فوق را پیشینی و برطرف نموده است.

ج- محسنی (۱۳۸۶) در پایان نامه کارشناسی ارشد به بنی اسرائیل زمان حضرت موسی (ع) از زبان قرآن پرداخته و در فصل پنجم رساله اش به نتایج رفتار و اخلاق ناپسند بنی اسرائیل یعنی مجازات گوناگون خداوند در حق آنان، مانند «صاعقه و رجفه»، دستور کشتار یکدیگر، تحریم بعضی طبیات، مسخ، خسف قارون و دارایی او، مبتلا شدن سامری به مرض بی درمان «لامساس» و در ماندگی در زندگی دنیوی همراه با ذلت پرداخته است. این پژوهش از جهت مقایسه ایی و مرور بر ادبیات با تحقیق حاضر، خیلی هم پوشانی دارد لکن به مسائل مدیریتی کلان نپرداخته است.

د- باقری و کاظمی نجف آبادی (۱۳۹۲) به تبیین الگوی رهبری قوم بنی اسرائیل به دست حضرت موسی (ع)؛ پرداخته و پژوهشگر با بررسی ۱۱۳۰ آیه از قرآن کریم، علاوه بر شناخت رفتارها و ویژگی های این قوم، الگوی رهبری حضرت موسی در مواجهه با این قوم را که در بیان مبین قرآن آمده، تبیین نموده است. در نهایت، محقق، الگوی رهبری حضرت موسی (ع) را بر مبنای چهار اصل «تعامل مستقیم با قوم»، «تذکر مستمر»، «دعوت به وحدت کلمه» و «صبر» شناخته و عرضه کرده است. در این گونه تحقیقات، لازم است بین مدیریت و رهبری وجه، تمایزی پیش بینی شود و از طرفی بدانیم در مدیریت یا رهبری کدام یک از متغیرها (شاخص ها) علم الوراثة است و خدا به پیامبر خود داده و کدام علم الدراسه ای است اگر این عیب بر طرف گردد بسیار تحقیق برجسته ای می شود.

روش شناسی

روش پژوهشی استفاده شده در این تحقیق روش تحلیل محتوا است. روش تحلیل محتوا یکی از روش های تحقیقی است که از گذشته ای نسبتاً دور مورد استفاده قرار گرفته و امروزه در علوم اجتماعی و خارج از آن، کاربرد فراوانی یافته است. (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۰۶) سیه^۱ و شانون^۲ تحلیل محتوا را یک شیوه تحقیق برای تفسیر ذهنی محتوای داده های موجود در متون از طریق فرآیند دسته بندی منظم و تعیین مضامین می دانند. (عادل مهربان و دوستی ایرانی، ۱۳۹۴: ۳) در واقع در روش تحلیل محتوا فرض بر این است که با تحلیل پیام های زبانی می توان به کشف معانی، اولویت ها، نگرش ها، شیوه های درک و سازمان یافتگی جهان دست یافت. (فوزی و قربانی، ۱۳۹۴-۱۳۹۳: ۷۸) به عبارت دیگر، پژوهشگران

^۱. Hsieh.

^۲. Shanon.

می‌توانند محتوای نامه‌ها، دفترهای خاطرات، مقاله‌ها، مجله‌ها، صورت جلسه‌ها، کتاب‌ها و روزنامه‌ها، اشعار، ترانه‌ها، نقاشی‌ها، سخنرانی‌ها، قوانین و هر نوع متن و سند دیگری را تحلیل کنند. بدین ترتیب، تحلیل محتوا هم روشی برای تحلیل داده‌ها و هم روش مشاهده اسناد است، اما به جای مشاهده مستقیم رفتار مردم یا پرسش در مورد آن، به ارتباط‌هایی که آنان به وجود آورده و پیام‌هایی را که رد و بدل کرده‌اند، توجه و آن را مورد پرسش و ارزیابی قرار می‌دهند. (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵: ۵۸) به دیگر سخن، تحلیل محتوا بیانگر رویکردهای تحلیل گوناگون است، و از رویکردهای برداشت گرایانه حدسی و تفسیری تا رویکردهای نظام‌مند و دقیق را دربرمی‌گیرد. (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۸)

به هر تقدیر باتوجه ویژگی انعطاف‌پذیری روش تحلیل محتوا در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است به طوری که محقق از طریق مطالعه کتابخانه‌ایی و مراجعه به متن قرآن کریم، اطلاعات لازم برای انجام پژوهش جمع‌آوری نموده است. در ادامه گام‌های انجام شده در این پژوهش بر مبنای تحلیل محتوا تشریح شده است:

گام اول: تدوین اهداف و سئوالات پژوهش که شامل شناخت مدیریت بحران حضرت موسی (ع) بر پایه گزارش آیات قرآن است. در حقیقت در گام اول، مشخص می‌شود که پژوهش حاضر تحت یک سؤال اصلی و سه سؤال فرعی و با عنایت به مدل سه مرحله‌ای مدیریت بحران که شاکله اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد به دنبال شناخت مدیریت بحران حضرت موسی (ع) بر پایه گزارش آیات قرآن است.

گام دوم: بیان و تشریح بحران، مدیریت بحران، رسالت انبیاء (حضرت موسی (ع)، مطالعه سیره انبیاء (حضرت موسی (ع) در مدیریت بحران و الگوگیری از آنها. در واقع، در گام دوم به تشریح ادبیات نظری پیرامون مدیریت بحران و الگوگیری از سیره پیامبران (ع) در این خصوص پرداخته می‌شود.

گام سوم: تشریح و واکاوی متغیرها همچون مدیریت، رهبری، بحران، مدیریت بحران. به دیگر سخن در گام سوم به بیان متغیرهای اصلی می‌پردازیم.

گام چهارم: انتخاب جامعه و نمونه که در اینجا منظور آیات قرآن است که در ارتباط با زندگانی حضرت موسی (ع) بیان شده است. در این قسمت، جامعه آماری شامل کلیه آیاتی است که با اصالت و زندگی و فعالیت‌های حضرت موسی با قوش بوده است که تعداد ۴۲۰ آیه را در برمی گیرد و البته انتخاب نمونه به صورت هدفمند صورت می گیرد که مقصود از آن، برگزیدن آن، آیات است که مرتبط با بحران گوساله پرستی قوم حضرت موسی (ع) می باشد که در ۱۹ سوره و بیش از ۷۰ آیه آمده بود.

گام پنجم: جدول بندی و کد بندی کردن کلیه شاخص‌ها که این شاخص و جداول در سه قالب شاخص‌های مدیریت قبل، حین و بعد از بحران تشکیل شد. جهت تشریح بیشتر این گام، نمونه‌ای از کد بندی در این قسمت آورده شده است:

جدول ۱: شاخص‌های مدیریت قبل از بحران (یادآوری الطاف الهی)

شاخص قبل از بحران	
یادآوری الطاف الهی	
متغیرهای کلیدی و اصلی	استاندها
نجات دادن بنی اسرائیل	سوره یونس آیه ۹۰؛ سوره ابراهیم آیه ۶؛ سوره شعراء آیه ۶۵؛ سوره اعراف آیه ۱۴۱، ۱۳۸؛ سوره طه آیه ۸۰
شکافتن دریا	سوره بقره آیه ۵۰؛ سوره شعراء آیه ۶۱
غرق شدن فرعون، شکست فرعون	سوره بقره آیه ۵۰؛ سوره اعراف آیه ۱۳۷
دادن من و سلوی	سوره طه آیات ۸۱، ۸۰
برتری دادن نسبت به مردم زمان خود	سوره اعراف آیه ۱۴۰

گام ششم: با مراجعه به آیات، مدیریت بحران حضرت موسی در سه قالب (قبل، حین و بعد از بحران گوساله پرستی) تشریح و در نهایت به سئوالات پژوهش پاسخ می شود.

یافته‌ها

۱. تدابیر و اصول مدیریت قبل از بحران حضرت موسی (ع)

- هدایت و تربیت: از جمله بزرگ مربیان بشریت، انبیای الهی (ع) هستند که در واقع، هدف اصلی و اصیل آنها، تربیت الهی و هدایت انسان‌ها به سوی حق تعالی می باشد. از این رو، در امر تربیت، با توجه به متصل بودن آنها به منبع وحی الهی، در هر موقعیتی، روش متناسب با آن موقعیت را مورد توجه و استفاده قرار داده‌اند که آن روش‌ها، می تواند الگوی مربیان در امر تربیت قرار گیرد. (مصباح- الهدی، ۱۳۸۸: ۱۴۱) از جمله انبیای الهی (ع) که در قرآن فراوان از او یاد شده است، حضرت موسی (ع) و سرگذشت قوم اوست. با نگاهی کلی و گذرا به آنچه که در این داستان آمده است، می توان دریافت که از روش های متنوعی در امر تربیت بهره گرفته شده است. (مصباح الهدی، ۱۳۸۸: ۱۴۱) وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (بقره: ۵۳): و یاد کنید آن را نیز، که دادیم موسی را کتاب توره و حجتی جداکننده میان حق و باطل تا مگر شما راه راست یابید. (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱: ۱۹۰) وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ (بقره: ۸۷): و هر آینه به تحقیق دادیم موسی را کتاب. (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۱: ۷۹)

- موعظه حسنه: در آیات ۷۷-۹۸ سوره طه به توجه و عنایت خدا نسبت به موسی و قومش اشاره دارد که آنها را نجات داد و دشمن آن‌ها را نابود کرد و از طریق این آیات، نعمت های عظیم و منت های بزرگ را یادآوری کرده است که به بنی اسرائیل اعطا شد و به آنان یادآور شده است که به تشکر و سپاس در مقابل نعمت ها ادامه بدهند و آنان را برحذر داشته است که خود را در معرض کینه و قهر خدا قرار ندهند و کفران نعمت نکنند. (صابونی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۷۳) ولی قوم حضرت موسی (ع) تمامی الطاف الهی و تمامی معجزات حضرت موسی (ع) را نادیده گرفته و به شرک (گوساله پرستی) پرداختند. در ادامه به نمونه ای از این آیات اشاره می شود: کُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى (طه: ۸۱): از طیبات آنچه که شما را روزی دادیم، بخورید آنچه بدان نعمت دادیم بر شما و سرکشی نکنید در آن و اگر چنین کنید پس واجب گردد بر شما عقوبت من و

هرکه واجب شود بر او عقاب من پس به تحقیق که هلاک شد. (سیوطی، ۱۳۸۵: ۳۱۷؛ اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۳: ۷۶-۷۵)

- بیدار کردن وجدان: هنگامی که خدا فرعون و اصحابش را غرق کرد و موسی (ع) و اصحابش از دریا عبور کردند، قوم موسی به قومی رسیدند که مشغول پرستیدن بت‌ها بودند. به موسی گفتند: «یا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ» (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۳۰۴-۳۰۳) موسی گفت: آیا غیر خدا را برای شما به خدایی طلبم در صورتی که خداست که شما را بر عالمیان برتری و فضیلت بخشید! (فیض-کاشانی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۰۰) در واقع حضرت موسی (ع) با چنین سخنی قوم خود را به چالش می‌کشد. بی‌گمان وجدان، سخت‌ترین داور در زندگی هر انسانی است که با شدت تمام و خشونت بی‌مانندی، همواره شخص گناهکار و خطاکار را مجازات می‌کند. (عباسی مقدم و باجی، ۱۳۹۳: ۱۸) قَالَ أَغَيَّرَ اللَّهُ أَبْعِيكُمْ إِلَهًا (اعراف: ۱۴۰): گفت: آیا غیر از خدا معبودی برای شما بجویم؟ (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۳۰۳)

- ارائه برهان منطقی: یکی از مشخصه‌های اصلی پیامبران (ع) هدایت پیروان از طریق ارائه برهان و استنتاج‌های عقلی و منطقی است حضرت موسی (ع) همچون سایر پیامبران الهی (ع) علاوه بر معجزه، وحی، از استدلال و براهین عقلی برای هدایت قوم استفاده نموده است. وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ (بقره: ۹۲): به تحقیق موسی برای تان نشانه‌های روشنی بر رسالتش از جانب خدا آورد. (فیض-کاشانی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۴۸) وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (اعراف: ۱۳۸): و بگذاشتیم فرزندان یعقوب را بر دیار بیامدند بر گروهی معتکفان بر بتانی [که] ایشان را [بود] گفتند: یا موسی بیاور ما را خدایان (طبری، ۱۳۵۶، ج ۲: ۵۳۳-۵۳۲) چنانچه این ها بت‌هایی دارند که می‌پرستند فرمود موسی، شما قوم جاهل هستید. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۴۳)

- یادآوری الطاف الهی: خدای تعالی جمله‌ای از منت‌های خود را بر بنی‌اسرائیل می‌شمارد (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۶۰) "که ما شما را نجات بخشیدیم از دشمن شما فرعون و فرعونیان به اینکه آن‌ها را هلاک کردیم." (طیب، ۱۳۷۸، ج ۹: ۷۲) و پس از عبور بنی‌اسرائیل از دریا، با آنان قرار گفت وگو نهاد و وعده ارتباط نزدیک داد. (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۱: ۱۱۵) بیان و یادآوری این

موارد باعث می‌شود انسان دچار طغیان و انحراف از مسیر الهی نگردد. وَجَاوَرْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ (یونس: ۹۰) : و گذرانندیم ما بنی اسرائیل را از دریای نیل و به سلامت به ساحل رسیدند. (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳۹۱)

۲. تدابیر و اصول مدیریت حین بحران حضرت موسی (ع)

- منظره و بیان حکمت: قرآن کریم در چند موضع ضمن بیان آیات مربوط به ماجرای انبیاء (ع) به موارد بحث و جدل و مناظره آنها با قوم‌شان اشاره می‌کند که با رعایت ادب، احترام، حق‌گویی و استدلال متین و قاطع به مناظره می‌پرداختند. (مهدویان و رحیم‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۴۹) حضرت موسی (ع) همچون سایر پیامبران الهی برای متوجه ساختن پیروانش نسبت به اقدام شرک‌آمیزی که انجام دادند و بازگرداندن آن‌ها به مسیر الهی با آن‌ها به مناظره پرداخت: أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ صَرًّا وَلَا نَفْعًا (طه: ۸۹): آیا بنی اسرائیل نمی‌دانستند که گوساله جواب سخن ایشان را نمی‌دهد و شایسته‌خدایی نیست؟ (طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱۶: ۶۲) إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا (طه: ۹۸): معبود شما تنها الله است، همان خدائی که معبودی جز او نیست. دانش او همه چیز را فراگرفته است (و از گذشته و حال و آینده، و آنچه بوده است و هست و خواهد بود با خبر است). (قطب، ۱۳۸۷، ج ۴: ۵۵۵)

- استعانت از خداوند: خدا فتنه قومش را به او خبر داد (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۳۲۱) موسی به حال خشم و تأسف به سوی قوم خود بازگشت، به آنان گفت: شما پس از من بسیار بد حفظ الغیب من کردید! آیا در امر خدای خود عجله کردید! و الواح را به زمین انداخت و (از فرط غضب) سر برادرش (هارون) را گرفته به سوی خود می‌کشید، هارون گفت: ای فرزند مادرم، این قوم مرا خوار و زبون داشتند تا آنجا که نزدیک بود مرا به قتل رسانند، پس تو دشمنان را بر من شاد مگردان و مرا در شمار مردم ستمکار مشمار. موسی (بر او شفقت کرد و) گفت: پروردگارا، من و برادرم را بیمارز و ما را در سایه رحمت خود داخل گردان، و تو مهربان‌ترین مهربانانی. (فیض‌کاشانی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۱۲ و ۱۱۵) قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِخِي وَادْخُلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (اعراف: ۱۵۱): وقتی که هارون موسی را متوجه کرد که این عمل او باعث خواری وی می‌شود، و قوم به اشتباه می‌افتند (طبرسی، ۱۳۵۰،

ج ۱۰: ۶۴)، گفت: خداوندا پیامرز مرا و برادر مرا، و اندرآرمارا اندر رحمت تو که بخشاینده تر بخشایندگانی. (طبری، ۱۳۵۶، ج ۲: ۵۳۹)

- حاکمیت و قاطعیت الهی: در اسلام، عامل نجات انسان رابطه‌ی مکتبی است، نه خویشاوندی. پس سرنوشت هرکس در گرو عمل خود اوست. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۱۰-۱۰۹) درست است که حضرت هارون (ع) پیامبر و معصوم است و به وظیفه‌ی نهی از منکر خود نیز، عمل کرده است، اما با این وجود حضرت موسی (ع) حضرت هارون (ع) را مورد بازخواست قرار داد تا با این کار، نشان دهد که مشیت و قاطعیت الهی حاکم است و رابطه خویشاوندی باعث عدم مجازات و بازخواست نمی‌گردد. وَ أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمِّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّقُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (اعراف: ۱۵۰): و موسی (ع) به خاطر مقصر شناختن هارون در انحراف بنی اسرائیل، با گرفتن موهای سر او و کشیدنش به سوی خود، در صدد مؤاخذه وی برآمد. (هاشمی-رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۱۸۸)

- اعمال رفتار قاطعانه: برخورد منعطف و سازشکارانه با جریان‌ات انحرافی، مقبول و جای هیچگونه مسامحه و بخشش نیست. (باقری و کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۸۱) از این رو، حضرت موسی (ع) با خشم و اندوه شدید به سمت قوم خود آمد. "فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ (طه: ۸۶): موسی از میقات با خشم و اندوه شدید بسوی بنی اسرائیل برگشت. (طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱۶: ۵۶)

۳. تدابیر و اصول مدیریت بعد از بحران حضرت موسی (ع)

- بازخواست: خدا فتنه قومش را به او خبر داد، (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۳۲۱) موسی از میقات با خشم و اندوه شدید به سوی بنی اسرائیل برگشت. (طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱۶: ۵۶) و سه گروه را زیر سؤال برد: قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ (طه: ۸۵): فرمود: در حقیقت، ما قوم تو را پس از [عزیمت] تو آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت که این سه گروه عبارت بودند از: الف) مردم: يَقَوْمَ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ (طه: ۸۶): موسی از میقات با خشم و اندوه شدید به سوی بنی اسرائیل برگشت. علت تأثر موسی این بود که می‌تواند آنها را براه راست برگرداند. به ایشان گفت: مگر نه خداوند به شما وعده راست داده بود که تورات را برای شما بفرستد تا به محتویات آن آگاه شوید و طبق

دستور آن، عمل کنید و سزاوار پاداش گردید؟ برخی گویند: منظور از وعده راست، نجات از فرعون و آمدن به طرف راست کوه طور و آمرزش توبه کاران است. (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۳۸۰؛ طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱۶: ۵۶) ب) هارون (ع): قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا؛ أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَ فَعَصَيْتَ أَمْرِي (طه: ۹۳ و ۹۲): [موسی] گفت: «ای هارون، وقتی دیدی آنها گمراه شدند چه چیز مانع تو شد، که از من پیروی کنی؟ آیا از فرمانم سر باز زدی؟» (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۳۸۰) ج) سامری: فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ (طه: ۹۵): همین که بی گناهی هارون آشکار شد، موسی به سامری روی آورده، به او گفت: چه کار ناگواری کردی؟ چه چیز ترا به این کار واداشت؟ (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۳۸۰؛ طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱۶: ۶۵)

- شناخت عامل ایجاد کننده بحران: حضرت موسی (ع) پس از اینکه از میقات برگشت و بت-پرستی (گمراهی) قوم را مشاهده کرد، اقدام به بازخواست قوم خود کرد تا عامل ایجاد کننده بحران شناسایی گردد. قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا؛ أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَ فَعَصَيْتَ أَمْرِي (طه: ۹۳ و ۹۲): [موسی] گفت: «ای هارون، وقتی دیدی آنها گمراه شدند چه چیز مانع تو شد، که از من پیروی کنی؟ آیا از فرمانم سر باز زدی؟» قَالَ يَا بَنُ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي (طه: ۹۴): (هارون در جواب) گفت: (ای برادر و) ای فرزند مادرم! (موسی) ریش و سر مرا (به مؤاخذه) مگیر، همانا من ترسیدم (با برخورد تند من، آنها متفرق شوند و) تو بگویی میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و کلام مرا مراقبت نکردی! (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۳۷۹) فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ (طه: ۹۵): همین که بی گناهی هارون آشکار شد، موسی به سامری روی آورده، به او گفت: چه کار ناگواری کردی؟ چه چیز ترا به این کار واداشت؟ (طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱۶: ۶۵)

- بررسی نحوه ایجاد بحران: مطالعه و بررسی نحوه ایجاد بحران یکی از اساسی ترین اصول در مدیریت بحران است. حضرت موسی (ع) سامری را مورد بازخواست قرار داد تا مشخص شود که چگونه گوساله را ساخته است و چگونه قوم را فریب داده است؟ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ (طه: ۹۶): گفت: من چیزی دیدم که آنها ندیدند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱۳: ۲۸۲) فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي (طه: ۹۶): من قسمتی از آثار رسول (و

فرستاده خدا) را گرفتم، سپس آنرا افکندم، و این چنین نفس من مطلب را در نظرم جلوه داد! (مکارم- شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱۳: ۲۸۲)

- حذف عوامل بحران زا: موسی(ع) تصمیم گرفت سامری را بکشد، لیکن خدای تعالی به او وحی فرستاد که او را مکش چون مردی با سخاوت است (قمی، ۱۳۱۳، ج ۲: ۶۳) از این رو، موسی(ع) عامل انحراف را به طور کلی طرد نمود و ابزار انحراف را آتش زد و خاکسترش را به دریا ریخت تا حساب کار دست دیگران آید. (باقری و کاظمی نجف آبادی، ۱۳۹۲: ۱۸۰) قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ (طه: ۹۷): گفت: پس برو که بهره تو در زندگی این باشد که [به هر که نزدیک تو آمد] بگویی: [به من] دست مزیند و تو را موعدی خواهد بود که هرگز از آن تخلف نخواهی کرد.

- مجازات ویژه: گرچه سامری، ضربه شدیدی بر وحدت و انسجام بنی اسرائیل وارد ساخت، ولی موسی(ع) به زودی به فریاد آنها رسید، و با مقاومت و شدت عمل و برنامه‌های انقلابی غائله سامری را به زباله‌دان تاریخ سپرد، و فریب خوردگان را بازسازی نمود و برای چندمین بار، بنی اسرائیل را از انحراف و سقوط نجات داد، آن‌ها از کرده خود پشیمان شده و توبه کردند (محمدی- اشتهازی، ۱۳۹۰: ۲۷۰) خداوند هم در مقابل این انحراف، تنها زمانی توبه قوم را قبول کرد که همدیگر را بکشند و خون شان بر زمین ریخته شود. (باقری و کاظمی نجف آبادی، ۱۳۹۲: ۱۸۱-۱۸۰) وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (بقره: ۵۴): با گناه‌هایی که مرتکب شدید به کسی غیر از خودتان ضرر و آسیبی نرساندید. (قشیری، ۲۰۰۰، ج ۱: ۹۱) پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید، و [خطاکاران] خودتان را به قتل برسانید، که این [کار] نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است. پس [خدا] توبه شما را پذیرفت، که او توبه‌پذیر مهربان است.

- امید دادن و حذف نگرانی‌ها و هدایت مجدد قوم: بحران‌زدگان و فریب خوردگان بنی اسرائیل بعد از آنکه از خدعه و نیرنگ سامری مطلع شده و به اشتباه خود پی بردند، طلب بخشش و عفو نمودند و از خدا خواستند که آنان را ببخشد، موسی(ع) نیز، نوید توبه‌پذیری خداوند را داد و آنان را امیدوار کرده و مجدداً جذب نمود (محمدی سیرت، ۱۳۹۱: ۱۵۶) وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ

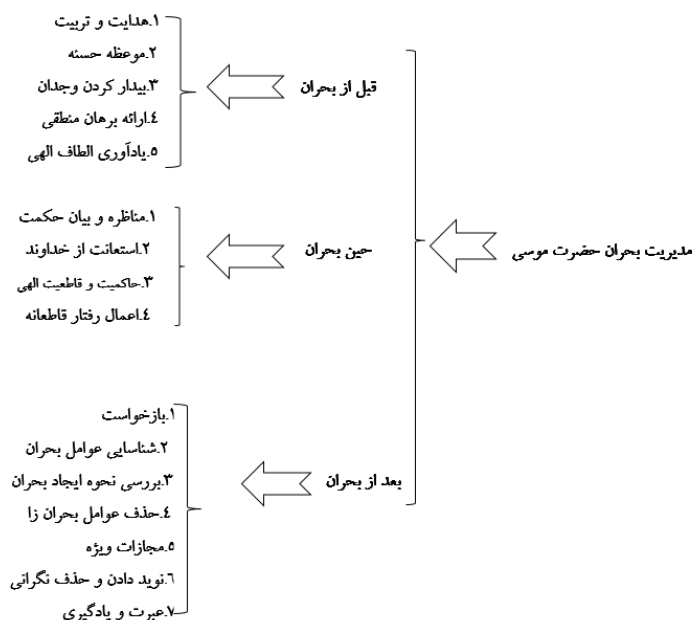
اَهْتَدَى (طه: ۸۲): و به یقین، من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست رهسپار شود. وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَحَ وَ فِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ (اعراف: ۱۵۴): و چون فرونشست از موسی غضب، الواح تورات را گرفت و در نوشته‌های او بود آنچه که باعث هدایت قوم بود و موجب شمول رحمت از برای کسانی که خدا ترس بودند. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۶۹)

- عبرت و یادگیری: مرحله یادگیری آخرین گام از مراحل فراگرد مدیریت بحران به حساب می‌آید که با وجود اهمیت بسیار بالای آن، اغلب در بحران‌ها مورد غفلت قرار می‌گیرد و به همین علت مشاهده می‌شود بحران در يك شكل و قالب دیگر پس از مدتی دوباره بروز پیدا می‌کند (همتی نوع دوست- گیلانی، ۱۳۹۴: ۷۸) در داستان بحران حضرت موسی (ع) مجازات گروهی که گمراه گشتند و به پرستش گوساله سامری پرداختند را می‌توان نوعی عبرت و یادگیری تلقی کرد. إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ ذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ (اعراف: ۱۵۲): آن کسانی که گوساله را به پرستش گرفتند برسدشان خشم از خداوندشان و خواری اندر زندگانی این جهان (طبری، ۱۳۵۶، ج ۲: ۵۳۹) و همین نحو جزاء می‌دهیم کسانی که افتراء می‌زنند. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۶۷)

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در عصر جدید و در هزاره سوم بحران‌ها واقعیتی جدایی ناپذیر از ماهیت درونی سازمان‌ها گردیده‌اند. بحران‌ها در واقع در اثر رخدادها و عوامل طبیعی و غیرطبیعی (به طور ناگهانی) پدید می‌آید و سختی و خسارت را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می‌کند. مدیریت بحران برای مواجهه با موقعیت-های غافل‌گیرکننده و غیر منتظره پیش از هر چیزی نیازمند تجربه، آمادگی، مهارت، سرعت عمل، هوشمندی و خلاقیت است. مدیریت بحران، فرآیند برنامه‌ریزی و عملکرد می‌باشد که با مشاهده سیستماتیک بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها در جستجوی یافتن ابزاری برای کاهش اثرات بحران است. (یاراحمدی خراسانی، ۱۳۸۴: ۴۳)

انبیای الهی، مدیران موفق از طرف خداوند به سوی جوامع بشری بوده‌اند مأموریت آنها ترویج یکتاپرستی و مبارزه با مظاهر شرک و بت پرستی بوده است. (امینی، ۱۳۹۴: ۱۰) بر همین اساس، بررسی و الگوگیری از نحوه شکل‌گیری رفتارهای اقوام گذشته و همچنین تعامل این اقوام با رهبران شان می‌تواند گامی اساسی در بازگشت حرکت‌های علمی و اقدامات عملی مسلمانان به اسلام و معارف و آموزه‌های ناب مکتب اسلام باشد. اساس و محور این بازگشت، تحقیق در آیات قرآن و روایات اسلامی و بازیابی مفاهیم و معارف از منابع اصیل اسلامی است. در قرآن کریم نمونه‌های فراوانی از رفتارها و ویژگی‌های رهبران بزرگ الهی ذکر شده و سیره و سلوک این بزرگواران به عنوان الگو به بشر عرضه شده است. در این میان، حضرت موسی، نقش ویژه‌ای دارد؛ چرا که در حدود یک پنجم از آیات قرآن کریم به ویژگی‌های قوم بنی‌اسرائیل و نحوه رهبری ایشان اختصاص دارد. (باقری و کاظمی - نجف‌آبادی، ۱۳۹۲) در راستای پاسخگویی به سئوالات اصلی و فرعی پژوهش می‌توان گفت که حضرت موسی (ع) با اقدامات زیر توانستند که بحران گوساله‌پرستی را حل و فصل نمایند:



جهت بهره‌گیری و الگو سازی از سیره و سنت انبیاء الهی در مدیریت بحران محقق پیشنهاد می‌کند که با انجام پژوهش‌هایی در این خصوص نسبت به تدوین الگوی‌های مدیریت بحران سایر انبیاء الهی

همچون (حضرت محمد مصطفی(ص)، حضرت یوسف(ع)، حضرت ابراهیم(ع)، حضرت لوط(ع) و) اقدام نمایند.

با عنایت به تشدید بحران‌های اقتصادی و سیاسی در عصر حاضر، محقق پیشنهاد می‌کند، محققین با تمرکز بر بحران‌های اقتصادی و سیاسی به تبیین مدل‌های مدیریت بحران با تکیه بر سیره و سنت انبیاء الهی(ع) بپردازند.

کتابنامه

- قرآن کریم
- اشکوری، محمد بن علی(۱۳۷۳). تفسیر شریف لاهیجی، مصحح جلال الدین محدث، تهران، دفتر نشر داد، ج ۳ و ۲، ۱.
- افتخاری، اصغر(۱۳۸۷). «مدیریت رسانه‌ای بحران»، پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۵۵، دوره ۱۵، پاییز، ص ۳۱-۵۳.
- افتخاری، اصغر؛ برزگرلداری، شیرزاد(۱۳۹۳). «تهدید نرم و گونه‌شناسی تهدید در گفتمان قرآن کریم؛ مطالعه موردی داستان حضرت موسی و فرعون»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۵۶، تابستان، ص ۱۸-۱.
- امینی، مرضیه(۱۳۹۴). مدیریت بحران در قیام کربلاء با تکیه بر آموزه‌های اهل بیت(ع)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- انوری، حسن(۱۳۹۰). فرهنگ لغت سخن، تهران، انتشارات سخن، ج ۲.
- ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا(۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی»، نشریه پژوهش، شماره ۲، سال ۳، ص ۱۵-۴۴.
- باقری، مصباح‌الهدی؛ کاظمی نجف آبادی، محمدرضا(۱۳۹۲). «تبیین الگوی رهبری قوم بنی‌اسرائیل به دست حضرت موسی(ع) پژوهشی قرآنی»، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره دوم، سال هفتم، صفحات ۱۸۸-۱۵۷.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان(۱۳۸۹). ترجمه تفسیر روایی البرهان، ترجمه رضا ناظمیان، علی گنجیان و صادق خورش، تهران، کتاب صبح، ج ۴.
- بخشانی‌مقدم، زهره(۱۳۹۰). تاثیر برنامه‌ریزی مدیریت بحران بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده مدیریت و اقتصاد.
- پوررستمی، حامد(۱۳۹۲). «راهبردشناسی مدیریت بحران در سیره زینب کبری(علیها السلام)»، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت فرهنگ سازمانی، شماره ۲، دوره ۱۱، ص ۸۵-۵۵.

- پیروز، علی آقا (۱۳۹۰). «رهبری در مدیریت اسلامی»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره ۳، سال اول، ص ۹۱-۱۱۶.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرائی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ۶۴، ص ۱۳۸-۱۰۵.
- تقوایی، مسعود؛ علی زاده، جابر (۱۳۹۱). «استراتژی‌های مدیریت بحران کاربری‌های مسکونی در روستا - شهرها»، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۸، ص ۸۵-۱۰۴.
- چابکی، ام‌البنین؛ خادمی، فاطمه؛ صادقی، عشرت (۱۳۹۴). «بازشناسی عوامل رهبری حضرت موسی (ع) با تأکید بر سوره طه»، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، شماره ۱، سال ۲۳، ص ۱۵۹-۱۸۱.
- حبیب‌زاده ملکی، اصحاب؛ جوادیان، رضا (۱۳۸۹). «راهبردهای رسانه‌ای در مدیریت بحران»، فصلنامه توسعه، شماره ۱۸، سال ۵، ص ۱۲۳-۱۰۳.
- خان محمدی، سهراب؛ غلامرضا، معمارزاده؛ وفادار، حسین (۱۳۸۹). «تبیین ابعاد و مولفه‌های بحران انتظامی»، پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)، شماره ۱، دوره ۵، ص ۱۱۷-۱۰۱.
- خطیبی کوشک، محمد (۱۳۸۴). «درآمدی بر نقش اسلام در حل بحران‌های سیاسی - اجتماعی»، فصلنامه حصون، شماره ۵، ص ۵۸-۳۵.
- خیرالهی، فرشید؛ ندري، محمد (۱۳۹۴). «تکنیک‌های تصمیم‌گیری در حسابداری مدیریت از دیدگاه اسلامی»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، شماره ۲، سال ۴، ص ۹۶-۶۹.
- دارابی، رضا (۱۳۹۰). «راهبردهای لجستیک بحران»، فصلنامه توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، شماره ۲۱، سال ۶، ص ۳۴-۷.
- ربیعی، علی؛ امینی، محمدتقی؛ سرافرازی، اعظم (۱۳۹۲). «توسعه الگوی مناسب تصمیم‌گیری تحت شرایط بحران سازمانی با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند معیاره ANP (مورد مطالعه: شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران - منطقه فارس)»، نشریه علمی - پژوهشی بهبود مدیریت، شماره ۴، سال ۷، ص ۱۸۲-۱۶۸.
- روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۸۷). «نقش مدیریت رسانه در تحول بحران از تهدید به فرصت»، پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۵۵، دوره ۱۵، ص ۱۶۲-۱۴۱.
- رهبرهادی بیگلر، رضا؛ بی‌غم، نگار؛ نعمتی‌مقدم، بهرام؛ عبداللّهی، شعله؛ حسن‌زاده، محمد (۱۳۹۱). «بحران و مدیریت بحران»، دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست، ص ۹-۱.
- ستایش برحقی، مهدی؛ کامکارحقیقی، مهران؛ علیزاده، محمد (۱۳۸۶). «طراحی سیستم اطلاعات مدیریتی بحران‌های طبیعی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت سلامت، شماره ۲۹، دوره ۱۰، ص ۵۴-۴۵.
- شعبانی‌نژاد، حسین؛ علیاری، ابوالفضل؛ ابوالقاسم‌گرچی، حسن (۱۳۹۵). «رابطه رهبری تحول‌گرا و عملکرد شغلی کارکنان در بیمارستان فارابی»، مدیریت سلامت، ص ۳۰-۲۲.
- صابونی، محمدعلی (۱۳۸۳). صفوه التفاسیر، ترجمه محمد طاهر حسینی، تهران، انتشارات احسان، ج ۲.

- صدري افشار، غلامحسین؛ حکمی، نسرین؛ حکمی، نسترن (۱۳۸۱). فرهنگ لغت معاصر فارسی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۷). تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۶ و ۱۴.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۰). ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران، موسسه انتشارات فراهانی، ج ۱۰.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۴). ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران، موسسه انتشارات فراهانی، ج ۱۶.
- طبري، محمد بن جریر (۱۳۵۶). ترجمه تفسیر طبري، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران، انتشارات توس، ج ۲.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸). اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ج ۹ و ۵.
- عادل مهربان، مرضیه؛ دوستی ایرانی، مهری (۱۳۹۴). مروری بر تحلیل محتوای کیفی و کاربرد آن در پژوهش، اصفهان، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی.
- عباسی مقدم، مصطفی؛ باجی، نصره (۱۳۹۳). «روش های تربیتی و تبلیغی حضرت ابراهیم (ع) در قرآن کریم»، فصلنامه پژوهش نامه تربیت تبلیغی، شماره ۶ و ۵، سال ۲، ص ۴۰-۵.
- عموزاده، شهرام؛ مرادی، حجت الله (۱۳۹۵). «رابطه بین تعهد حرفه ای و تعهد سازمانی کارکنان با موفقیت در مدیریت بحران»، فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت های اضطراری، شماره ۲۸، سال ۸، ص ۷۷-۱۰۳.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات راه رشد.
- فوزی، یحیی؛ قربانی، فاطمه (۱۳۹۳-۱۳۹۴). «تحلیل محتوای کمی و کیفی مصاحبه ها و پیام های امام خمینی (ره) بر اساس صحیفه امام»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۳ و ۲، ص ۷۵-۱۰۲.
- قاندی، محمدرضا؛ گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵). «روش تحلیل محتوا، از کمی گرای تا کیفی گرای»، فصلنامه روش ها و مدل های روان شناختی، شماره ۲۳، سال ۷، ص ۸۲-۵۷.
- قلی پور، آرین (زمستان ۱۳۸۲ و بهار ۱۳۸۳). «بحران مدیریت در مدیریت بحران»، مجله کمال مدیریت؛ ویژه نامه مدیریت بحران، شماره ۵ و ۴، ص ۵۲-۴۳.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۸۶). ترجمه تفسیر شریف صافی، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، تهران، دفتر نشر نوید اسلام، ج ۳ و ۱.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ج ۵ و ۳.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۲۰۰۰). لطائف الاشارات، قاهره، الهیئه المصریه العامه الکتاب، ج ۱.
- قطب، سید (۱۳۸۷). ترجمه تفسیر فی ظلال القرآن، ترجمه مصطفی خرم دل، تهران، انتشارات احسان، ج ۴.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۱۳). تفسیر القمی، قم، موسسه دارالکتاب، ج ۲.
- کاشانی، فتح الله بن شکر الله (۱۳۳۶). تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی و چاپخانه محمد حسن علمی، ج ۱.
- کینگ، گرانویل (۱۳۹۵). «مدیریت بحران و اثربخشی تیم: یک بررسی دقیق تر»، ترجمه ناخدا یکم پاسدار احمد کریمی، فصلنامه مدیریت بحران، شماره ۲۸، سال ۸، ص ۲۲۴-۱۹۹.

- ماه بانویی، بهار؛ نقی پورفر، ولی الله (۱۳۹۳). «شناسایی شایستگی های مدیریتی در قرآن با الگوگیری از سیره حضرت موسی (ع)»، همایش بین المللی مدیریت.
- مجتهدزاده، فهیمه (۱۳۹۱). مدیریت بحران شهری، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- محسنی، محمدحسن (۱۳۸۶). بنی اسرائیل زمان حضرت موسی (ع) از زبان قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، دانشکده حقوق و معارف اسلامی.
- محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۹۰). قصه های قرآن به قلم روان، تهران، انتشارات موسسه نبوی.
- محمدی سیرت، حسین (۱۳۹۱). اصول مدیریت بحران در قرآن کریم با تاکید بر قصص انبیاء الوالعزم (علیهم السلام)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- مرکز آموزش و پژوهش های توسعه و آینده نگری (۱۳۹۵). دستنامه مدیریت بحران، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- مصباح الهدی، مصطفی (۱۳۸۸). «روش های تربیت در داستان حضرت موسی (ع) در قرآن»، مجله پژوهش - های قرآنی، شماره ۶۰ و ۵۹، ص ۱۵۲-۱۴۰.
- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر (۱۳۸۰). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۳.
- موسی خانی، مرتضی؛ محمدنیا، علی (۱۳۸۵). «ارائه و تبیین شاخص های انتخاب مدل رهبری نوین و نحوه یکپارچه سازی آن در سازمان ها؛ مقایسه تطبیقی رهبری خدمتگزار و رهبری تحول گرا»، نشریه فرهنگ مدیریت، شماره ۱۴، سال ۴، ص ۲۰۳-۱۶۱.
- مهدویان، محبوب؛ رحیم زاده، کبری (۱۳۸۹). «شیوه آموزشی مناظره در قرآن و سنت»، نشریه منهاج، شماره ۱۰، سال ۶، ص ۱۵۹-۱۴۳.
- ناظم بکائی، محسن؛ مردانی نوکنده، محمدحسین؛ نوروزی، محمد (۱۳۸۹). «بررسی و تبیین انحطاط فرهنگی از دیدگاه قرآن و آموزه های دینی و ارائه راهکارهای عملی ماخوذ از آن»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره های ۴۴ و ۴۳، سال ۴، ص ۹۱-۸۰.
- ودادی، احمد؛ صیادشیرکش، سعید؛ شفیع زاده برمی، مریم (۱۳۸۹). «هوش سازمانی و مدیریت بحران»، فصلنامه مدیریت کسب و کار، شماره ۵، سال ۲، ص ۱۰۲-۸۵.
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۸۶). تفسیر راهنما، قم، بوستان کتاب قم. ج ۱۱ و ۶.
- همتی نودوست گیلانی، مهناز (۱۳۹۴). «معرفی الگوهای مدیریت بحران و ارائه الگوی جامع»، اولین همایش علمی پژوهشی یافته های نوین علوم مدیریت، کارافرینی و آموزش ایران.
- یاراحمدی خراسانی، مهدی (۱۳۸۴). «بحران واقعی جداناپذیر از سازمان ها»، ماهنامه مدیریت، شماره ۱۰۲ و ۱۰۱، ص ۴۷-۴۳.
- یزدان پناه، مهشید (۱۳۸۱). «برنامه ریزی و مدیریت بحران»، تدبیر، شماره ۱۲۷، ص ۵۶-۵۱.